

## غزالی مشهدی

## و مثنوی

## نقش بدیع

حسین قربانپور آرانی

مولانا غزالی مشهدی از شاعران عارف پیشه و نامدار قرن دهم هجری است. هدیه العارفین (ج ۲، ص ۲۵۱) نام او را محمد و نام پدرش عبدالله ثبت کرده است.<sup>۱</sup> ولادت او، حدود سال نهصدوسی در مشهد اتفاق افتاده و خود او در این باره چنین گفته است:

در این مدینه پس از هجرت رسول امین  
گذشت نهصدوسی سال از شهور و سنین  
به شهر بند حدود آمدم ز ملک قدم  
بدین حضیض حوادث ز اوج علیین<sup>۲</sup>

اما به طور دقیق تر، ولادت او باید در سال ۹۳۶، روی داده باشد؛ چنان که خود او در مقدمه آثار الشباب، گفته است که در سال ۹۶۶ هجری به سی سالگی تمام رسیده و با این حساب، سال ولادتش ۹۳۶ هـ. ق است.<sup>۳</sup> گویا غزالی چندان از موطن خود راضی نبوده، قدر خود را در خراسان ناشناخته می دانست. در مثنوی نقش بدیع می گوید:

خاک خراسان شده زندان من  
تنگ در او طبع سخندان من  
باید از این خاک مرا رخت بست  
باد صفت بر فرس خود نشست  
رفت به جایی که در او زین سپس  
نام خراسان نبرد هیچ کس

عیب من این است که از مشهدم  
ورنه چرا نزد عزیزان بدم  
هیچ نگویم چه، سبب روشن است  
قدر گهر دورتر از معدن است<sup>۴</sup>

غزالی فراگرفتن علوم و ادب و نیز ابتدای شاعری خود را در مشهد آغاز کرد و بعد از آن به دربار شاه طهماسب راه یافت؛ اما مدتی بعد به دلایلی روی به هندوستان نهاد و بیش تر دوران نامبرداری و برخورداری ادبی خود را در آن سرزمین گذراند.

در آغاز جوانی به دربار شاه طهماسب راه یافت؛ اما به تهمت الحاد و بد مذهبی گرفتار شد و از بیم آزار بدخواهان به هندوستان گریخت و نخست به دکن رفت. در آن جا نیز اختر مرادش چنان که باید ندرخشید؛ تا آن که علی قلی خان،<sup>۵</sup> مشهور به خان زمان که از امرای بزرگ اکبرشاه و حاکم جونپور بود، قدر وی بدانست و مردی را با چند اسب و هزار رویه برای خرج راه، برای او فرستاد و این دو بیت را که خود به مناسبت این دعوت سروده بود، به وی فرستاد و مصاحبتش را آرزو کرد:

ای غزالی به حق شاه نجف  
که سوی بندگان بی چون آی  
چون که بی قدر گشته ای آن جا  
سر خود گیر و زود بیرونی آی<sup>۶</sup>

غزالی دعوت خان زمان را پذیرفت و به نزد وی رفت و چند

۱. مجله دانشکده ادبیات مشهد، احوال و آثار ملک الشعرا غزالی مشهدی؛ به تحقیق و انتخاب احمد گلچین معانی، سال چهارم، ۱۳۴۷، شماره ۲، ص ۲۲۵.
۲. همان، ص ۲۲۵.
۳. ر. ک: تاریخ ادبیات در ایران، دکتر صفا، انتشارات فردوس، ۱۳۶۲، ج ۵، ص ۷۰۱.
۴. مثنوی نقش بدیع از غزالی مشهدی، تصحیح، مقدمه، توضیحات و تعلیقات، به اهتمام نگارنده سطور، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه اصفهان، بارانهای دکتر سید مهدی نوریان، شهریورماه ۱۳۷۷، ص ۶۴.
۵. علی قلی خان، مشهور به خان زمان، همان کسی است که غزالی، نقش بدیع را به نام او سروده است. برای توضیح بیش تر درباره زندگی و کارهای او ر. ک: تاریخ ادبیات در ایران، ج ۵، ص ۷۰۲.
۶. مراد از سر غزالی حرف «غین» است که در شماره حروف ابجد، برابر با هزار آمده و خان زمان در این جا به هزار رویه که برای غزالی فرستاده بود، اشاره کرده است.

عقل، تاریخ وفاتش به دو طور  
«سنه نهصد و هشتاد نوشت»<sup>۹</sup>

آثار غزالی، شامل نظم و نثر است. درباره شمار اشعار او صاحب آتشکده می گوید: «در شانزده کتاب، چهل هزار بیت داشته. ۱۰ کلیات اشعار او، طبق گفته محمدامین رازی «از غزل و مثنوی، هفتاد هزار بیت است.»<sup>۱۱</sup> برخی دیگر مانند میر عبدالرزاق خوافی در بهارستان سخن، همین معنی را تکرار کرده اند و برخی نیز شماره ابیات کلیاتش را پنجاه هزار بیت، نوشته اند و بعضی نیز از این حد، فراتر رفته و عدد بیت های او را تا یکصد و نود هزار گفته اند.<sup>۱۲</sup>

کلیات اشعار او، شامل غزلیات، قصاید و چند مثنوی است؛ بدین شرح: مجموعه غزل هایی که به استقبال از بیست غزل حسن دهلوی ساخته است؛ گنج اکبری که قصایدی است در ستایش جلال الدین اکبر؛ مجموعه قصایدی که در مدح شاه طهماسب و خان زمان و دیگر امرای هند سروده و به سنت الشعرا مرسوم است؛ دیوانی مشتمل بر مقدمه، قصاید، ترکیب بند، ترجیع بند، غزل، مثنوی، قطعات و رباعیات به نام آثارالشباب؛ مجموعه کوچکی از غزل ها، قطعه ها و رباعی ها به نام آینه خیال؛ و چند مثنوی به نام اسرار مکتوم در عشق عرفانی؛ نقش بدیع؛ مثنوی در ذم یکی از عالمان دین که بر او تاخته و به الحادش فتوا داده بودند؛ مثنوی در ذم قلیچ خان از امیران دوران اکبر و متخلص به الفتی.<sup>۱۳</sup> علاوه بر این، در تذکره هفت آسمان، تألیف احمد علی بنگالی (ص ۱۰۰) مثنوی های دیگری از غزالی ذکر شده که عبارتند از: مشهد انوار، مرآت الصفات و قدرت آثار که از این مثنوی، نسخه ای همراه نقش بدیع در کتابخانه بادلان آکسفورد و فیلم آن به شماره ۱۰۲۱ در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران موجود است. این هرسه مثنوی به پیروی از مخزن الاسرار نظامی سروده شده و گویا مثنوی های دیگری نیز به پیروی از خمسة نظامی، داشته است.

سال با خان زمان و برادر وی، بهار دخان، بود و ایشان را می ستود و از مثنوی های خود، نقش بدیع را که در ایران به نام شاه طهماسب، آغاز کرده بود، در هزار بیت به نام خان زمان پایان داد و در برابر هر بیت، یک سکه طلا، صله یافت. پس از این که خان زمان یاغی گشت و بر جلال الدین اکبر، خروج کرد به امر اکبر شاه به قتل رسید (۹۷۴ هـ.). سپس متسبان او از جمله غزالی را به اسیری نزد اکبر شاه بردند؛ اما این شاه فضیلت گستر و شعر دوست، او را گرامی داشت و برکشید تا به منصب ملک الشعرا پی رسید و شش سال آخر عمر را در دربار این پادشاه مقتدر ادب دوست با سربلندی به سر برد. غزالی نخستین شاعری است که در دربار دولت گورکانی هند، مرتبه ملک الشعرا پی یافت و با شاعران بلند پایه دربار اکبری، معاشر و مجالس بود.<sup>۷</sup>

غزالی، شاعری عارف پیشه و صوفی منش بود و با اصول تصوف و اصطلاحات آن، آشنایی کامل داشت. طبق سنت شاعران صوفی مشرب، مسائل عرفانی را نیز به طور کامل در آثار خود وارد کرده است و این موضوع از گفته اغلب تذکره نویسان و نیز از ملاحظه آثار او دریافته می شود. با این همه در هجو نیز دستی داشته و چند بار معاصران خود را هجو گفته است. معروف است بین او و جدایی ترمذی، محاجات عظیم واقع شده و این دو، یکدیگر را هجوهای گفته اند که از غایت رکاکت، قابل ذکر نیست.<sup>۸</sup>

مذهب وی، تشیع است و عشق به خاندان پیامبر (ص) و امامان شیعه در آثار او و نیز در مثنوی نقش بدیع، نمایان است و بخشی از این مثنوی هم در مدح حضرت علی (ع) سروده شده است. وفات غزالی بنا بر نقل بذاونی در منتخب التواریخ (ج ۳، ص ۱۷۰) در شب جمعه، ۲۷ رجب سال نهصد و هشتاد هجری در احمدآباد گجرات به مرگ ناگهانی، روی داد و به فرمان اکبر شاه در «سرگنج» که آرامگاه پادشاهان و مشایخ بود، به خاک سپرده شد. بنا بر این که اسماعیل پاشا در هدیه العارفین، سال مرگ او را ۹۸۸ ق ضبط کرده، غلط است؛ زیرا ابوالفضل فیضی آگره بی که از ارادتمندان او بود و پس از وی ملک الشعرا شد، قطعه ذیل را در تاریخ مرگ غزالی سرود که در آن عبارت «سنه نهصد و هشتاد» به حساب ابجدی نیز ۹۸۰ است:

قدوة نظم، غزالی که سخن  
همه از طبع خستاداد نوشت  
خامه چون در کف اندیشه نهاد  
نکته پی بر پی استاد نوشت  
نامه زندگی او ناگاه  
آسمان بر ورق باد نوشت

۷. ر. ک: تاریخ ادبیات در ایران، ج ۵، ص ۷۰۱ به بعد؛ نیز تذکره آتشکده، حواشی دکتر سادات ناصری، ج ۲، ص ۴۷۱.
۸. مجله دانشکده ادبیات مشهد، احوال و آثار غزالی، ص ۲۲۷.
۹. ر. ک: تاریخ ادبیات در ایران، ج ۵، ص ۷۰۲؛ احوال و آثار غزالی، ص ۲۲۷؛ تذکره آتشکده، حواشی سادات ناصری، ج ۲، ص ۴۷۱.
۱۰. آتشکده آثار، ج ۲، ص ۴۷۱.
۱۱. تذکره هفت آسمان، امین احمد رازی، تصحیح جواد فاضل، کتابفروشی علمی، ج ۲، ص ۲۱۲.
۱۲. ر. ک: تاریخ ادبیات در ایران، ج ۵، ص ۷۰۵.
۱۳. همان.



آثار مثنوی وی بر طبق گفته محمدامین رازی و مؤلف **عرفات العاشقین** عبارتند از: «اسرار مکتوم، رشحات الحیات و مرآت الکایانات». ۱۴ البته برخی این سه اثر را نیز به همراه «اسرار مکتونه» از مثنوی های غزالی شمرده اند. ۱۵

از ملاحظه آثار غزالی برمی آید که او شاعری توانا، فصیح و پرکار بوده است و استحکام و انسجام، همراه با روانی کلام و صراحت معنی از ویژگی های سخن غزالی در همه اقسام شعر است. قصیده ها و ترکیب ها و ترجیع هایش، جزالت و فخامت را که لازمه این نوع اشعار است با عذوبت و روانی به هم آمیخته است و غزل هایش، لطافتی خاص دارد و او در این نوع، سادگی و روانی و سوز و حال و فصاحت با بافغانی را تکرار کرده است. در این غزل هایبیت های گزید که زیبا و دلنشین است، فراوان است. نکته قابل ذکر درباره آنها، آمیخته بودن بیش تر آنها است با اندیشه های عرفانی که بنا بر عادت غزلسرایان عارف پیشه به طریق رمز و کنایه بیان می شود. ۱۶ برخی از معاصران ما غزالی را از پایه گذاران و پیشوایان سبک هندی در قرن دهم هجری دانسته اند و بعضی دیگر این نظریه را تنها یک سوء تشخیص شمرده اند. ۱۷ با این حال، این نکته مسلم است که زبان شعری غزالی - با این که در غزل به شیوه بابافغانی و سبک عراقی، نزدیک است و در قصیده به قصیده گویان قرن هشتم و نهم می ماند - عناصری ابتدایی و معتدل از سبک هندی نیز با خود دارد و به ویژه در غزل های او تک بیت های درخشان، فراوان است و در مثنوی های او نیز با این که به پیروی از نظامی سروده شده و تأثیر زبان و شیوه نظامی در آن آشکار است، مضامین نو و ابداعی، بسیار است. غزالی در نشر، مرسل و مصنوع، نیز توانا بوده و این توانایی او از مقدمه هایی که بر اجزای مختلف کلیات خود نوشته و از دیگر آثار مثنورش پیدا است. به هر حال غزالی در میان شاعران سده دهم و حتی سده های یازدهم و دوازدهم، مرتبه ای بلند دارد و از میان مثنوی های او، **نقش بدیع** را می توان، شاهکار ادبی قرن دهم هجری دانست.

### نقش بدیع

مثنوی «نقش بدیع» در حکمت و عرفان و به پیروی از **مخزن الاسرار** نظامی سروده شده است. این مثنوی نخست به نام شاه طهماسب صفوی سروده شده و مدحی هم از او در آغاز این اثر وجود دارد؛ اما بعد از سفر غزالی به هندوستان به نام خان زمان، تغییر یافته و پس از قتل او و راه یافتن غزالی به دربار اکبرشاه به نام او مصدر گر دریده است. غزالی، خود به این نکته اشاره کرده است:

گوهر من یافت در این کارگاه  
حسن قبول از دو ولایت پناه  
هر دو بر او رنگ ولایت، مهند  
هر دو ولی، هر دو ولایت دهند  
آن به خراسان شده بارنده میغ  
این زپی دین زده در هند، تیغ  
آن شده در ملک عجم، داستان  
وین به هنر، شهره هندوستان<sup>۱۸</sup>

بنابر این غزالی، نظم این مثنوی را در ایران آغاز کرده و در هندوستان آن را به پایان رسانیده است. اسماعیل پاشا در **هدیه العارفین** (ستون ۸۱۲) این مثنوی را «تفسیر بدیع» نامیده است و چنان که پیش تر اشاره شد، احمد بنگالی در تذکره هفت آسمان (ص ۱۰۰)، تقلید دیگری از **مخزن الاسرار** به نام «مشهد انوار» به غزالی نسبت داده که بعضی از بیت های منقول از آن در همین نقش بدیع، یافت می شود. طبق گفته دکتر ذبیح الله صفا بعید نیست که نام این مثنوی در اصل **مشهد انوار** در برابر **مخزن الاسرار** بوده و بعدها به مناسبت اولین بیت این مثنوی، نقش بدیع نام گرفته باشد. ۱۹ با توجه به این که اکنون نسخه ای از مشهد انوار منسوب به غزالی در دست نیست، این نظر هم قابل تأمل است. به هر حال، این مثنوی مقدمه ای کوتاه به نثر دارد و با این بیت آغاز می شود:

بسم الله الرحمن الرحيم  
نقش بدیع است ز کلک قدیم

پس از مقدمه و ابیاتی چند، به ترتیب عناوین زیر می آیند:  
«آراستن نقش بدیع به توحید شکرگزاری باری که هر یک نقطه از تقاطع نبوت در دایره وجود او شاهدهی است ظاهر و هر ذره از ذرات کون بر وجود آفتاب جود او، آیتی است باهر.»  
«حکایت آن عاشق که از فراق، گریبان چاک می کرد؛ گفتند: ار وصال خواهی، جامه جان چاک کن.»  
«مناجات در اظهار جود واجب الوجود و التماس عدم غیب به دولت شهود.»

۱۴. تذکره هفت اقلیم، ج ۲، ص ۲۱۲؛ نیز ر. ک: احوال و آثار غزالی، ص ۲۳۳.

۱۵. تذکره آتشکده، حواشی سادات ناصری، ج ۲، ص ۴۷۲.

۱۶. ر. ک: تاریخ ادبیات در ایران، ج ۵، ص ۷۰۳ و ۷۰۴.

۱۷. ر. ک: تذکره آتشکده، حواشی سادات ناصری، ج ۲، ص ۴۷۱؛ احوال و آثار غزالی، ص ۲۳۶.

۱۸. مثنوی نقش بدیع، ص ۲۴.

۱۹. ر. ک: تاریخ ادبیات در ایران، ج ۵، ص ۷۰۶.

و با این ابیات، پایان می‌گیرد:

به که کشم پنبه غفلت ز گوش  
تا شوم از دعوی باطل، خموش  
سربه گریبان عدم در کشم  
مُهر نهم بر لب و دم در کشم  
ختم شد و قصه به غایت رسید  
عمر شد و نیست نهایت پدید

غزالی در میان خمسه نظامی به مخزن الاسرار بیش تر نظر داشته و چندبار به جوابگویی آن برخاسته و چند مثنوی به پیروی از مخزن الاسرار سروده است که یکی از آنها مثنوی نقش بدیع است؛ اما این که او در این نظیره سازی تا چه حد از زبان و شیوه نظامی در مخزن الاسرار تأثیر پذیرفته و تا چه مایه تدبیرها و تصرف های هنرمندانه از ذوق و قریحه خود در سرودن آن به کار برده، نکته ای درخور تأمل است. پس از قرن هفتم و مقبولیت نظامی در داستانسرایی و منظومه سازی بسیاری به تقلید و نظیره سازی از آثار او پرداخته اند و این امر تا پایان دوره تیموری و در صفویه نیز - چه در ایران و چه در هندوستان - رونق خود را از دست نداده و حتی تا روزگار ما نیز در ادب فارسی ادامه دارد. در آغاز کسانی که به نظیره سازی از آثار نظامی پرداخته اند، ضمن تقلید از شیوه نظامی، ابتکارها و تصرف هایی هنرمندانه نیز در آثار خود داشته اند؛ اما در دوره های بعد، نیروی ابتکار در نزد گویندگان، کم تر می شود و در دوران صفویه و قاجار، بیش تر کسانی که به تقلید از نظامی پرداخته اند، به طور مستقیم تحت تأثیر شیوه نظامی بوده و در سرودن آثار خود از ذوق هنرمندانه کم تری بهره مند داشته اند.<sup>۲۰</sup> غزالی نیز در مثنوی نقش بدیع، افزون بر وزن و فضای عرفانی، بسیار تحت تأثیر زبان و اندیشه نظامی در مخزن الاسرار است و به طور کلی در ساختار این منظومه، تقلید از مخزن الاسرار، آشکار است. این تأثیرپذیری، هم در محدوده زبانی و مشترکات لفظی است و هم در مضمون پردازی. برای نشان دادن تأثیر زبانی و مضمونی مخزن الاسرار در نقش بدیع، چند نمونه را یادآور می‌شویم:

#### مخزن الاسرار:

بسم الله الرحمن الرحيم  
هست کلید در گنج حکیم

۲۰. برای توضیح بیش تر ر. ک: کیهان فرهنگی، «تقلیدگرایی در ادبیات فارسی و تقلیدسرایی به شیوه نظامی»، مقاله نگارنده، شماره ۱۴۰، اسفند ۱۳۷۶، ص ۲۷.

«تبرک ساختن این نامه به نعت لشکر بنیاد آدم بین الماء والطين و برافروختن خامه به مدح اسدالله الغالب، امیرالمؤمنین، علی ابن ابوطالب(ع).»

«قال النبی - صلی الله علیه وآله : انا وعلی من نور الواحد صدق .»

«در بیان اثبات عروج حضرت نبوی و حقیقت معراج مصطفوی - صلی الله علیه وآله .»

«حکایت آن عاشق بغدادی که معشوق، او را از گذشتن شط، منع نمود.»

«خطاب زمین بوس سلطان السلاطین، شاه طهماسب الحسینی خلد الله ملکه گوید.»

«در مدح حضرت خان زمان گوید.»

«در گنج سخن به کلید زبان گشودن و از آن گنج، حریفان را به گنجور ازل راه نمودن.»

«گهرافشانی اول در تجلی ملکوت که کشف اسماست و گنج بقا.»

«گهرافشانی ثانی در تجلی جبروت که مقام منازل است و مایه قوت.»

«گهرافشانی ثالث در تجلی لاهوت که ظهور اسماست.»

«در بیان فطرت انسان که خمرة طینه آدم بیدی اربعین صباحاً اشارت است به آن.»

«حکایت معنون که چون معشوق، او را به او نمود، خود را در مقام دویی یافت.»

«تحریض عشق مجاز نمودن که آن پلی است در حقیقت؛ چنان که المعجاز قطرة الحقیقة.»

«در بیان حسن و عشق که به مقتضای تجلی جلال، هریک دل عاشق را به جایی می‌کشند؛ چنان که در این معنی قلب المؤمن بین الاصبغین، واقع شده.»

«در بیان آن که هر که میل به ادب کرد، غرض انسانی می‌افشاند، چون زلیخا پا از ادب کشید و غرض آلود گشت، محبت از او برگشت.»

«در بیان آن که عالم محسوس، مشغول خواب است و خیال و هر مبدأ که سالک راست جز واجب الوجود، نقصان و وبال.»

«در بیان آن که همه فانی اند جز دوست که به معنی زنده اوست.»

«در بیان آن که ارباب معنی به چه زنده اند و زندگی ایشان به چه معنی است.»

«خاتمه کتاب در غروب این خورشید ثانی و نمونه ای از دریای گوهر افشانی.»



نقش بدیع:

بسم الله الرحمن الرحيم  
نقش بدیع است ز کلک قدیم

مخزن الاسرار:

پرده گشای فلک پرده دار  
پردگی پرده شناسان کار

نقش بدیع:

نقش بدیع است بدایع نگار  
آگه از او پرده شناسان کار

مخزن الاسرار:

سخنه غوغای هراسندگان  
چشمه تدبیر شناسندگان

نقش بدیع:

معرفت آموز شناسندگان  
معصیت آموز هراسندگان

مخزن الاسرار:

کز ازش علم، چه دریاست این  
تا ابدش ملک، چه صحراست این

نقش بدیع:

پشه چه آگه که چه عنقااست این  
مور چه داند که چه صحراست این

مخزن الاسرار:

پرده برانداز و برون آی فرد  
گر منم آن پرده، به هم درنورد

نقش بدیع:

از تنق غیب برون آی فرد  
ظلمتیان را ز جهان درنورد

مخزن الاسرار:

در لغت عشق سخن جان ماست  
ما سخنیم این طلل ایوان ماست

خط هر اندیشه که پیوسته اند  
بر پر مرغان سخن بسته اند

نقش بدیع:

من نه تنم جوهر جانم ببین  
در سخن خویش نهانم ببین

این نه سخن، جامه جان من است  
نظم روان، گنج روان من است

اما چنان که پیش تر نیز اشاره شد ضمن تأثیر پذیری از مخزن الاسرار عناصر و ویژگی هایی نیز در این اثر هست که آن

را از شکل یک تقلید صرف بیرون آورده است. همچنین عقاید مذهبی شاعر و فرهنگ شیعه در این مثنوی، رنگی خاص بدان بخشیده است؛ به گونه ای که در شرح جزئیات مسائلی چون معراج، تفاوت آن با مخزن الاسرار آشکار است؛ نیز عرفانی که بر فضای این اثر حاکم است با آن عرفان شرعی نظامی در مخزن الاسرار - که تا حدی هم تحت تأثیر عقاید کلامی اشاعره است - تفاوت دارد و گاهی نیز به برخی مکاتب خاص عرفانی مثل مکتب جمال پرستی، نزدیک می شود. نکته دیگر این که غزالی در این اثر، کم تر به نقل داستان پرداخته و در نقل داستان ها نیز کم تر به مخزن الاسرار، نظر داشته است. به هر حال این اثر اگر چه در زمره بهترین آثار غزالی است، از نظر شیوه بیان یکدست نیست؛ چنان که در پاره ای موارد، تقلید از نظامی در آن آشکار است و این امر باعث کلی گویی و ابهام شده؛ اما در بیش تر موارد، سخن او ساده و روان، زیبا و پخته و رسا است. بنابراین می توان گفت که غزالی در سرودن این مثنوی از ذوق و قریحه خود نیز بهره گرفته و تناسب و توازی که به مواد و اجزای آن داده، نتیجه تدبیر و تصرف قریحه خود او است.

### مشفصات نسخه های خطی

نسخه های خطی فراوانی از این اثر در کتابخانه های ایران و خارج از ایران موجود است؛ برخی از آنها عبارتند از:

۱. نسخه موجود در کتابخانه کاخ گلستان (سلطنتی) به شماره ۴۶۲ که در ذی قعدة ۱۰۲۰ هـ. ق، یعنی حدود چهل سال پس از وفات شاعر، کتابت شده است. این نسخه در ۸۶ صفحه و هر صفحه ۱۲ سطر با نستعلیق عالی نورالدین محمد لاهیجی کتابت شده و سه مجلس تصویر مینیاتور زیبا دارد. این نسخه در کتابخانه شاهان صفوی بوده و در صفحه آخر، مهر شاه عباس ثانی دیده می شود و بعد به تملک میرزا مهدی خان نادری درآمده است. به سال ۱۲۳۲ از عرض فتحعلی شاه گذشته و در بالای سرلوح، نام او روی متن زر در ترنجی، نوشته شده است و به سال ۱۲۸۱ از عرض ناصرالدین شاه گذشته و در صفحه اول، مهر او نیز هست. نکته قابل ذکر درباره این نسخه، آن است که کاتب آن - مانند دیگر کاتبان این دوره - دقت لازم را نداشته و به همین دلیل در مواردی، احادیث مشهور را غلط کتابت کرده و نیز در چند مورد غلط املائی دارد و به طور کلی مقسید به نقطه گذاری دقیق کلمات نبوده است.

۲. نسخه موجود در کتابخانه مجلس شورای اسلامی. این نسخه در مجموعه ای به شماره ۲۶۶۵ قرار دارد و مشتمل است

چشم دلت را ز پی دفع شک  
هم مگر این نقطه شود مردمک  
رنه چه دانی تو که حرف نخست  
گشت از این نقطه نامی درست  
این دو گواهان یقین و شک اند  
گرچه به صورت دو به معنی یک اند  
چشم تو را بهر ظلام و ضیاء  
هست یکی میل و یکی توتیا  
این بردت جانب نور قدم  
و آن کشدت در ظلمات عدم  
راز الف شرح دهم مو به موی  
چشمه که جاری شده، گردیده جوی ...

\*

خاک دل آن روز که می بیخندند  
شبنمی از عشق بر او ریخندند  
دل که بدان رشحه غم اندود شد  
بود کبابی که نمکسود شد  
این همه سوزی که کنون در دل است  
اشک ز شورابه آن حاصل است  
دیده عاشق که دهد خون ناب  
هست همان خون که چکد از کباب  
بی اثر مهر، چه آب و چه گل  
بی نمک عشق، چه سنگ و چه دل ...  
کاسه چه داند که می ناب چیست  
خاک سیه را چه خبر کآب چیست  
باد که او می کشد از غنچه پوست  
در گره غنچه چه داند چه پوست ...  
آتش عشق است، گل باغ دل  
تا نرود جنان، نرود داغ دل ...  
بی غرض از عشق، ملامت خوش است  
چاشنی عشق، ملامت کش است  
خرمی ما غم عشق است و بس  
شادی ما ماتم عشق است و بس ... ۲۲

بر منتخباتی از آثار نظم و نشر شعرا و نویسندگان تا قرن  
۱۲ هـ. ق، که با خط و زمان مختلف نوشته شده است. مثنوی  
نقش بدیع در قسمت شعر این مجموعه با شماره ۲۸ قرار دارد و  
تاریخ کتابت آن ۱۰۶۰ هـ. ق است. این نسخه، بخش هایی از  
مثنوی را ندارد و تقریباً بالغ بر ۸۷۵ بیت می شود. کاتب این  
نسخه نیز در برخی موارد در نوشتن کلمات، دقت لازم را نداشته  
و برخی ابیات نیز از نظر وزنی، آشفته است؛ اما روی هم رفته  
نسخه ای قابل اعتنا است.

۳. نسخه موجود در کتابخانه بادلیان آکسفورد که در مجموعه ای  
همراه با مثنوی «قدرت آثار» از غزالی قرار دارد و فیلم آن در  
کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، به شماره ۱۰۲۱ و نسخه  
عکسی آن به شماره ۳۸۵۲ موجود است. این نسخه با نستعلیق  
اوایل سده یازدهم نوشته شده و مانند نسخه مجلس، ابیاتی از  
مثنوی را ندارد؛ اما روی هم رفته نسخه ای معتبر و درخور اعتنا  
است.

۴. نسخه موجود در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران که در  
مجموعه ای به شماره ۳۴۲۶ نگهداری می شود. این نسخه با  
شکسته نستعلیق سده دوازدهم کتابت شده و تاریخ ۱۱۸۱ هـ. ق  
را دارد. این نسخه کامل نیست و آغاز و انجام مثنوی را ندارد و  
در واقع گزیده ای از این اثر است.

۵. نسخه موجود در کتابخانه ملک که با نستعلیق سده  
یازدهم نوشته شده است. این نسخه نیز ابیاتی از مثنوی را ندارد  
و حدود ۸۶۵ بیت است.

از این اثر نسخه های دیگری هم در کتابخانه های مختلف  
موجود است. ۲۱

در پایان، برای مزید فایده، ابیاتی از این مثنوی عرفانی و زیبا  
نقل می شود:

بسم الله الرحمن الرحيم  
نقش بدیع است ز کلک قدیم  
عقل چه داند که کلام خدا  
چون نشد اول ز الف ابتدا  
بی که کلید آمده بر گنج بسم  
بر که گشوده ست در این طلسم  
بر رخ آن کو الف از بی شناخت  
قاعدۀ صورت و معنی شناخت  
حرف نخستین که قلم طرح کرد  
نقطه با معنی آن شرح کرد  
بی ز الف شد متمیز به این  
پی نبرد عقل تو هرگز به این

۲۱. برای آگاهی از نسخه های دیگر این اثر ر. ک: فهرست نسخه های خطی

فارسی، احمد منزوی، مؤسسه فرهنگی منطقه ای، تهران ۱۳۴۸، ج ۴.

۲۲. مثنوی نقش بدیع، ص ۸۰، ۴۱.

